263228 ـ اگر مرد به همسرش بگوید: طلاق، یا تو طلاق، یا تو طلاق هستی

سوال

من نزدیک دو سال است ازدواج کرده‌ام و یک دختر دارم. خواستم درباره‌ی شروطی که برای رخ دادن طلاق لازم است توضیح دهید. برای مثال اینکه زن نباید در حال طلاق در حال حیض باشد یا پس از حیض قبلی با وی جماع نشده باشد. آیا اگر این شروط محقق نشود طلاق رخ می‌دهد؟ یا در هنگام طلاق دادن زن گفتن کلمه‌ی طلاق کافی است؟ یا لازم است بگویم: من تو را طلاق داده‌ام؟ من مشکل عصبانیت دارم و کسانی که من را می‌شناسند این مشکل من را می‌دانند و توسط پزشک در حال مشاوره‌ی روانی هستم. یک بار که با همسرم بگو مگو می‌کردیم و او کلمات توهین آمیز بدی به من گفت و از من خواست طلاقش دهم به همسرم گفتم: طلاق (یعنی فقط این کلمه را گفتم بدون آنکه بگویم تو را طلاق داده‌ام). کلمه‌ی طلاق را در حالی که به شدت عصبانی بودم به زبان آوردم اما وقتی به حال طبیعی برگشتم پشیمان شدم چون قصد طلاق را نداشتم. همسرم الان فکر می‌کند ما از هم جدا شده‌ایم. آیا ممکن است حکم شرعی صحیح احکام طلاق را بیان کنید که طلاق کی واقع می‌شود؟ جزاکم الله خیرا

پاسخ مفصل

الحمدلله.

طلاق مشروع آن است که مرد همسرش را در دورهّ‌ی پاکی او که در آن جماعی صورت نگرفته یا در حالی که حامله است تنها یک طلاق بدهد. این طلاق به اتفاق علما واقع می‌شود.

طلاق در حال حیض یا در دوره‌ی پاکی که در آن جماع کرده‌اند نزد جمهور علما واقع می‌شود اما نزد برخی از علما واقع نمی‌شود.

دوم:

طلاق در حال خشم نیاز به تفصیل دارد و در مورد آن اختلاف است. راجح آن است که اگر خشم طوری باشد که شخص نفهمد دارد چه می‌گوید، یا آنقدر شدید باشد که شوهر را به طلاق همسرش وا دارد به طوری که اگر خشمگین نبود طلاق نمی‌داد، چنین طلاقی واقع نیست. بر خلاف خشم عادی غیر شدید که طلاق واقع می‌شود.

سوم:

اگر مرد به همسرش بگوید: تو را طلاق دادم یا بگوید: او را طلاق دادم، یا بگوید: طلاقت دادم، یا تو مطلقه‌ای، همه‌ی اینها کلمات صریحی هستند که طلاق با آن واقع می‌شود و نیازی به نیت ندارد.

و اگر بگوید: طلاقت می‌دهم. این یک صیغه‌ی محتمل است زیرا صیغه‌ی مضارع هم معنای حال می‌دهد و هم آینده. بنابراین اگر منظورش حال است یعنی الان طلاقت می‌دهم طلاق واقع می‌شود و اگر منظورش آینده است این نوعی تهدید است و طلاق واقع نمی‌شود مگر آنکه بعدا طلاقش دهد.

در این موارد زبان و گویش گوینده مراعات می‌شود.

چهارم:

اگر شوهر بگوید: تو طلاقی یا بگوید: تو طلاق هستی. در مورد این لفظ اختلاف است که آیا لفظ صریح به حساب می‌آید و نیازی به نیت ندارد یا کنایه است و طلاق واقع نمی‌شود مگر با نیت.

جمهور علما از جمله حنفیه و مالکیه و حنابله بر این هستند که این لفظ صریح است.

ابن قدمه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: "اگر بگوید: تو طلاق هستی. قاضی [عیاض] می‌گوید: در روایت از احمد در این باره که طلاق واقع می‌شود اختلافی نیست، چه نیت کند چه نکند. ابوحنیفه و مالک نیز چنین گفته‌اند. اصحاب شافعی در این باره بر دو وجه هستند: یکی آنکه این لفظ غیر صریح است زیرا [لفظ طلاق] مصدر است و اعیان را با مصدر وصف نمی‌کنند مگر به مجاز. دوم آنکه طلاق لفظ صریح است و نیازی به نیت ندارد، مانند متصرف منه که در عرف آنان مورد استفاده است"

المغنی (۷/ ۳۸۷).

دردیر در الشرح الصغیر (۲/ ۵۵۹) می‌گوید: "ولفظ صریح آن" که عصمت با آن گشوده می‌شود حتی اگر نیت گشودن آن را نداشته باشد "طلاق" است، مانند آنکه بگوید: طلاق بر من لازم است، یا بر من است که طلاق دهم، یا تو طلاق هستی و مانند آن، اما طلاق به صورت نکره (بدون ال در عربی) مانند طلاقی بر من است، یا بر تو طلاقی است، یا تو طلاقی هستی، یا بر من یک طلاق است، چه مبتدا را بگوید مانند "تو" یا با خبر باشد مانند "بر من است" یا نه، زیرا این مُقَدَّر است و مقدر مانند ثابت است».

مراجعه نمایید به البحر الرائق (۳/ ۲۷۹).

شافعیان در قول صحیح خود بر این رای هستند که این کنایه است [نه صریح].

نووی ـ رحمه الله ـ در المنهاج می‌گوید: صریح آن "الطلاق" است و همینطور لفظ فراق (جدایی) و سراح (آزادی) بر اساس قول مشهور، مانند تو را طلاق دادم و تو طلاق داده شدی، یا تو مطلقه [هستی] یا ای طلاق داده شده، نه آنکه بگوید: تو طلاقی در قول صحیح‌تر.

رملی در شرح خود می‌گوید: "نه آنکه بگوید: تو طلاقی" زیرا این کنایه است مانند آنکه بگویی: اگر چنین کاری کنی طلاق تو در آن است، یا همان طلاق تو است، چنانکه ظاهر است، زیرا مصدر در مورد عین به کار نمی‌رود مگر از روی توسع.

نهایة المحتاج (۶/ ۴۲۸).

شکی در این نیست که گفتن: طلاق، یا الطلاق، بدون گفتن "تو" ضعیف‌تر از این است که بگوید: تو طلاقی. و ظاهر آن است که این کنایه است.

بنابراین اگر فقط گفته‌ای: "طلاق" چنانکه از سیاق سوال شما برمی‌آید، و همراه با آن نیت طلاق را هم داشته‌ای طلاق واقع شده، اما اگر نیتش را نداشته‌ای طلاق واقع نشده است.

پنجم:

این باید دانسته شود که بیشتر حالات طلاق در حال خشم و تنگنا و انفعال رخ می‌دهد نه در حال شادی و سرور و فراخی، بنابراین اینکه شوهری همسرش را در حال خشم طلاق بدهد معنایش این نیست که طلاق واقع نشده آنطور که بسیاری از مردم گمان می‌کنند مگر آنکه خشمش به جایی رسیده باشد که نداند چه می‌گوید یا کنترل خودش را از دست بدهد به طوری که سخن بدون اراده‌اش از دهانش خارج شود. چنین طلاقی به اتفاق علما واقع نمی‌شود.

اما اگر خشمگین شود اما نه در حدی که احساس و ادراکش را از دست بدهد، اما خشمش شدید باشد به طوری که مرد احساس کند دارد به طرف طلاق میل پیدا می‌کند، این خشم بر اساس نظر جمهور علما مانع از وقوع طلاق نیست.

برخی از علما اما بر این رای هستند که این خشم نیز مانع از وقوع طلاق است. شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ و شاگردش ابن قیم بر همین رای هستند و همین رای ان شاءالله راجح و صحیح‌تر است.

ما برای این به مذهب جمهور اشاره کردیم که سوال کننده و خواننده به خطر تلفظ کلمه‌ی طلاق در حال خشم و در دیگر حالات پی ببرند، که ممکن است به سبب عجله و پریدن سخنی از دهانش خانه‌ی خود را ویران کند و به خود و خانواده‌اش زیان وارد سازد. از الله عفو و عافیت خواهانیم.

در هر صورت شایسته است که شخص برای حفظ خانه و خانواده‌اش از عجله و تساهل در استفاده از الفاظ طلاق برحذر باشد.

والله اعلم